

از نگاه هنرمند

مورد مشورت قرار نمی گیریم



بهزاد فراهانی

■ سالی که گذشت رنج آورترین سال برای اهالی تئاتر بود. معاونت هنری جلوی اجرای بسیاری از کارهای زیبا و خوب را گرفت. در حالی که هنر یک پدیده الهامی است و نمی توان به آنها گفت که چه هنری را خلق کنند، و گر نه هنر الحاقی می شود. همچنین تهاجم به تئاتر از نظر کمی بودجه، یورش به سمت قرار دادهای تپ، همراه با شیوenameهای اختراعی و به حقیض کشاندن محتوای تخصصی در این سال بیشتر شد. مساله گیشه هم که دارد باب می شود و تئاتری ها این شگردها را که نوعی سلیقه بازاری است، قبول ندارند. این راهی است که تئاتر ما را به یک آکسرسیون تبدیل می کند. به نظر می رسد دولت هنوز رابطه خود با هنرمندان را تعریف نکرده است. در قانون اساسی سانسور نقض شده است و از طرفی ما وزارت اطلاعات را داریم که به صورت تخصصی در این حوزه فعالیت می کند. پس تهاجم به سمت آثار هنری کم لطفی است. اگر دولت دوست دارد که ما وارد سیاست نشویم، اجازه بدهد هنرمندان کار خودشان را انجام دهند. ما چوب سیاستمداران را در هنر می خوریم. کدام بودجه، سالان، حق بیمه، یکاری و رفا برای تئاتری ها را به ثمر رسانده است؟ یک سانسور غیر قابل درک به دستاورد های فرهنگی رخ داده است. در مورد خود من این اتفاق افتاده که هر بار به یک بهانه جلوی کارم گرفته شده است ولی افکار و اندیشه های ما مهان هایی است که مولا یمان علی(ع) می فرود. پس چرا معاونت هنری از هنرمندان حمایت نمی کند؟ خانه تئاتر درگیر بودجه و دستمزد هنرمندان دربند گیشه است. این مسایل در حالی روی می دهد که خانه تئاتر و گروه های تئاتری مورد مشورت معاونت هنری قرار نمی گیرند. به کرات از مسوولان می شنویم دستمزد ها را می دهند اما در حال حاضر که دستمزد ها درگیر گیشه است و ادامه این وضعیت، تئاتر را سطحی می کند. هنرمند نباید به گیشه چشم بدوزد، بلکه باید تمام حواسش را در اختیار مخاطب قرار دهد. اینها نقدهای ما هستند، اگر نقد و نقادی قابل تامل است ما اعتقاد داریم مدیریت هنری نباید حتما یک تئاتری باشد، بلکه باید تئاتر را دوست داشته باشد.

تعامل شکل نگرفت



جمشید حقیقت شناس

■ انجمن نقاشان، تعاملی با معاونت هنری ندارد و فعالیت هایش را به صورت مستقل انجام می دهد. ما هر راهی رقتیم تا ارتباط شکل بگیرد اما متاسفانه این امر میسر نیست. انجمن در جریان فعالیت های معاونت هنری نیست. ما تمام تلاش خودمان را برای اینکه این تعامل شکل بگیرد، انجام دادیم البته آنها هم شاید تلاش خود را برای شکل گیری یک تعامل انجام دادند اما در نهایت نشد. معاونت هنری محل انجمن نقاشان را از ما گرفت و قرار بود در دوسالانه قبلی ونیز نقاشانی را به نمایندگی از ایران در این رویداد شرکت دهد که در نهایت تعدادی از هنرمندان را به انتخاب خودشان به ونیز فرستادند. بعد از آن قرار شد ۱۵۰ نفر از هنرمندان را به صورت قرعه کشی برای بازدید و سفر مطالعاتی به ونیز بفرستیم که باز هم میسر نشد. همچنین یکی دیگر از مسایلی که میان انجمن هنرمندان نقاش و معاونت هنری شکل گرفت، نحوه برگزاری دوسالانه نقاشی بود. مسوولان معاونت هنری و مرکز هنرهای تجسمی آنقدر مذاکرات برای برپایی دوسالانه را طولانی کردند که اصلا نتوانستیم عملی از اعراب ندارد. دوسالانه ها به این منظور برگزار می شوند که فعالیت تمام هنرمندان این حوزه را در طول دوسال به نمایش بگذار اما وقتی تعامل ها مذاکرات به کندی پیش می رود و انجمن نقاشی نقشی در این زمینه ندارد، هنرمندان هم به صورت متقابل انگیزه ای برای حضور در دوسالانه و مرادود نخواهند داشت. همانطور که من به عنوان رئیس انجمن هنرمندان نقاش هیچ دخالتی در شرکت یا عدم شرکت نقاشان در دوسالانه ندارم بلکه پیشنهاد خود اعضاست که یک دوسالانه با نمایشگاه شرکت کنند یا نه. رابطه انجمن و معاونت هنری در موارد مختلف به نتیجه نرسید و در نهایت ما به صورت مستقل فعالیت می کنیم و معاونت هنری نیز به همین گونه. مجموعه این شرایط به گونه ای پیش رفته است که نقش دوسالانه ها در کشور کم رنگ شده و ما به این نتیجه رسیدیم که معاونت هنری رقابتی برای مشارکت انجمن ها ندارد. همین مساله منجر شد ا تباط میان هنرمندان و معاونت به صورت کیفی و تخصصی کم رنگ شود.

حوزه معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد به نسبت سایر حوزه ها زیر مجموعه های بیشتری دارد. اما با وجود این تعداد حوزه های تحت نظارت از سایر معاونت ها از اعتبارات دولتی کمتری برخوردار است. در سال های گذشته هم تلاش های زیادی شد تا سهم هنر در بودجه سرانه بیشتر شود. چرا این اتفاق تا به امروز نیفتاده است؟

به نکته درستی اشاره کردید. معاونت هنری به نسبت سایر معاونت ها و گاهی که همه کشور به آن دارند مأموریت بیشتر و سهم کمتری دارد. در تاثیر گذاری فرهنگی و اجتماعی تئاتر، موسیقی یا هنرهای تجسمی بیشتر می توانند این اهداف فرهنگی مردم را جلو ببرند. از سوی دیگر در بودجه ها هست که سهم هنر بسیار اندک است. قرار نیست بحث مرغ و تخم مرغ را داشته باشیم. آیا این مردم بودند که کمتر به این حوزه اقبال کردند و در نتیجه دولت و مسوولان به این مساله بهادادند؟ آیا دولت کمتر به این حوزه بهاداد و باعث شد سالن های کمتری باشد و به همین دلیل مردم کمتر به تئاتر روی بیاورند؟ هر دوی اینها درست است اما وظیفه من به عنوان معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی این است که محصولات این معاونت را کاربردی تر و متناسب تر با نیاز مردم هدایت کنم. بنابراین به نظر من چون هر دوی این موضوعات درست است و بحث سر این که کدام اول بوده است ما را به جایی نمی برد پس ما اولین گامان این است که با مردم بیشتر ارتباط برقرار کنیم و امروز مردم ما در سطوح مختلف توانایی مالی و فرهنگی هر کدام به محض اینکه ارتباط بیشتری برقرار کنند، طبیعتا سهم بیشتری دارند. حتی اگر از نظر مالی در سطح پایین تر ی باشند از این امکانات استفاده می کنند. یعنی پول همه حرف نیست.

یک مولفه است. اگر محصول ما خیلی گران باشد، هر چقدر هم کار خوب باشد به هر حال عده ای از این امکانات محروم می شوند اما واقعیت این است که همه چیز آن نیست. به نظر من مهم ترین مشکلات ما این است که محصولاتمان در عین حال نامی کلی خروجی موضوعات محدودی است. ژانر های متعددی در معاونت هنری در حوزه تئاتر وجود دارد در حالیکه ما فقط از یک ژانر استفاده می کنیم. یکی از علت های این جریان به ضعف دفاتر موضوعی ما باز می گردد. در تئاتر شش دفتر تئاتر موضوعی قرار دارد که باید ژانر های مربوطه را فعال کنند اما با توجه به اینکه ضعیف عمل می کنند، باعث می شود هر ژانر ضعیف عمل کند. به محض اینکه به ترکیب هر کدام دست بزنیم، دچار تحول می شوند. مسائل گذشته دست به ترکیب دفتر تئاتر خیابانی زدیم، می بینید چه تحولی رخ داد و اجرای عمومی تئاتر در همین تهران گسترش یافت. اشکالی که شما گفتید، وارد است. گام هایی که در سال ۸۹ برداشته شده، گام های بنیادی است که در بخش ساختاری صورت گرفته است. نکته بعدی هم اطلاع رسانی بود. ما اسال اطلاع رسانی خودمان را در برخی از زمینه ها بیشتر کردیم و استقبال مردم بیشتر شود این ارتباط موثر تر در این حوزه شکل گرفت.

در نشست مطبوعاتی که چند هفته پیش برگزار کردید، نکته ای را فرمودید که البته در قانون جزو وظایف معاونت هنری است که قانون گذاری در عرصه هنر و نظارت و حمایت بر فعالیت های هنری در کشور را شامل می شود اما مجموعه عملکرد معاونت هنری در سال ۸۹ خلاف این بوده و معاونت هنری در موضوعات گریبی کم هم وارد شده و به جزئیات می پردازد. خود شما هم وارد این جریانات شدید. مثال می توانید بزنید؟

بله. به صورت خاص در هر سه بخش به خصوص تئاتر شیوenameای منتشر شد که به نظر من نوعی ورود معاونت هنری به بخش اجرایی تر بود. در حقیقت معاونت هنری زیر مجموعه ای به نام مرکز هنر های نمایشی دارد که وظیفه اش این کار است.

شاید جامعه هنری ما با بعضی از افراد علاقه مند به پیگیری مباحث هنری این انتظار داشته باشند که معاونت هنری – به مزاح عرض می کنم – به عنوان شخصیت قدسی باشد و تمامی امور هر یک از این پنج حوزه های زیر مجموعه خودش را به مرکز بسپارد که صفر تا صد سیاست گذاری و برنامه ریزی را انجام دهند. این کار اشتباهی است. اولاد یگانه شما را به شیوename ها اصلاح کنم. در گذشته تمامی این شیوename ها به امضای وزیر بوده است. شیوename کم اجرایی تر به امضای وزیر دولت اصلاحات و دولت احمدی نژاد، می رسید فر ضانهوه صدور یک کنسرت چیست؟ قانون هم این اختیار را می داد. اساسا شیوename و دستور العمل کار وزیر و حداقل معاون وزیر است و او هست که می گوید چگونه باید مجوز داده شود، والا یک مدیر کل نباید بگوید من از این به بعد می خواهم مجوز کنسرت ها را فقط به اشخاص حقیقی بدهم امکان پذیر نیست.

شیوename اجرای تئاتر با همه نقدها به هنرمندان این امنیت خاطر را می داد که طرف قرار دادشان معاونت هنری و نه موسیون معاون وزیر خواهد بود. پس مطمئن شدند که قرار دادنشان به موقع امضای می شود و به وقت مناسب پول شان را می گیرند. اتفاقی که متاسفانه نیفتاد. در مصاحبه مطبوعاتی و همین صحبت هایی که امروز داشتیم یک تناقض وجود داشت. اینکه می گوید ۹۱ درصد رشد تماشاچی داشتیم به قول شما فعلا ظرفیت تئاتر ما همین هشت سالن است و اندازه صندلی های شان هم کم است مشخص است. چرا هنوز هنرمندان ما قرار داد ندارند و پول شان را نگرفتند؟

در تمام سال ۸۰، ۸۰ درصد گیشه فروش چه قرار داد داشته باشند، چه نداشته باشند هر لحظه ای که خواستند پرداخت شده است. هیچ هنرمندی نمی تواند ادعا کند که قرار داد گیشه ام را نگرفت ام. وقتی گیشه فروش بیشتری دارد، طبیعی است کسی که کار بیشتری کرده، در آمد بیشتری هم به دست آورده است. این ۶۱ کاری که در شش ماه اخیر اجرا داشتند، فروش گیشه را داشتند، مگر خودشان نخواسته باشند اما اصولا گیشه نقشی از این کار را ایفا نمی کند. وقتی آمار تماشاگر بالا می رود ۹۱ درصد در آمد بالاتر می رود و به همین نسبت بدهی ما بالاتر می رود. ما در سال گذشته طبق آخرین آمار ۶۵ تئاتر داشتیم. این تعداد ۶۱ تئاترش مربوط به شش ساه اخیر در

تئاتر

حمید شاه آبادی معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در گفت و گو با «شرق»

در سال ۹۰ با کسی شوخی نداریم

فرزانه ابراهیمزاده



عکس: مهدی حسینی

بیشتر مورد بحث و بررسی قرار گرفت. البته از آنجایی که بحث تئاتر و مسایل مربوط به آن گسترده تر از دو حوزه دیگر بود که تئاتر در این گفت و گو سنگین تر شد. به همین دلیل هم در مصاحبه ای که منتشر شده است بخش تئاتر بیشتر به چشم می خورد. البته بخشی هم به دلیل محدودیت هایی که ما در این صفحه داشتیم و بخش هایی مانند بحث نیم درصد خرید آثار که بخش مهمی از این گفت و گو بود را در فاصله دیگری منتشر خواهیم کرد. البته معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی این اطمینان را به تئاتری ها داد که در چند هفته آینده موعوه ها را پرداخت می کنند و تجسمی ها می توانند امیدوار باشند که خبر ای خوبی هم در بحث نیم درصد هم در راه اندازی یا پوین دایی هنر خواهند شنید.

مصاحبه با دکتر حمید شاه آبادی معاونت هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی حدود یک ساعت و نیم طول کشید؛ مصاحبه ای که در خلال آن درباره مسایل زیادی که این روز ها هنر را درگیر کرده است، بحث شد و بر نامه های سال جاری این معاونت تشریح شد. بخشی از حرف ها البته حرف هایی بود که شاه آبادی چند هفته پیش در نشست مطبوعاتی اول سال خود نیز به آن اشاره کرده بود؛ مانند مساله قرار دادهای تئاتری ها، پرداخت نشدن موعوه اجراهای شش ماهه یا پانی سال، سر نوشت لایحه نیم درصد بوجه نهادهای دولتی برای خرید آثار هنری و سیاست گذاری های حوزه موسیقی و... البته نکاتی هم مانند وضعیت اجرای های سال ۹۰ و تلاش برای تثبیت قانون نیم درصد و بیمه آثار موزه هنر های معاصر و غیره هم

آلوم استاد شجریان پیش در آمده است و همچنان هم ادامه دارد. در خور دهایی که در شان استادان هم نبوده است. اینها استادان موسیقی هستند که نمی شود نقش شان را در موسیقی حذف کرد.

در مورد اجراهای صحنه ای سال گذشته شاهد دو اتفاقی بودیم که در براره کنسرت آقای نظری رخ داد. این نشان می دهد که زیباترین نوع موسیقی – از دید خودم – و گونه ای که حاکمیت بیشترین وظیفه را در مقابل آن دارد و همیشه تلاش کرده است که بستر مناسبی برایش فراهم شود. با توجه به این بیش از ۷۰ درصد رشد اجرای صحنه ای داشتیم که اکثرا راه پاب بودند حاشیه نداشتیم اما برای این دو نفر استاد مشکل به وجود آمده است. اینها اتفاق هایی است که در این حوزه ها می افتد. البته جنس اتفاقی که در کر مناشاه افتاد با شیراز تفاوت داشت. در شیراز نباید این کنسرت لغو می شد اما به نوعی حساسیت های منطقه ای باعث شد تا این کنسرت لغو شود. باز خورد تاویل های غلطی است که افش رخ چهره های ماندگار، ارزشمند و شاخص کشور را در حوزه موسیقی مکرر می کند.

فقط این موارد نبود. مثلا در آمل هم کنسرت گروه ششم لغو شد.

مواردی که از این دست اتفاق می افتد، در حالی که ما از این کنسرت ها فایز می کنیم، دست ما نیست. قانون اجازه هایی به شورا های فرهنگی استان ها داده است هم ما باید رعایت کنیم و هم استان ها، اما اگر در ایران قرار باشد کنسرت شهرام نظری یا حسام الدین سراج لغو بشود، چه جای موسیقی می ماند ما وظیفه مان است که حمایت کنیم. بعضی از اتفاقات دست ما نیست. گاهی هنرمند یک بستری را به وجود می آورد که این اتفاق بیفتد. هنرمندی که می توانست نقش آفرینی کند، دچار گرفتاری هایی می شود که به راحتی می توانست از آن گذر کند. اصولا توصیه ما به هیچ هنرمندی نیست که عرصه سیاسی را وارد هنرش کند و اجازه دهد که تاثیر بر کارش بگذارد. اندیشه سیاسی داشتن حق طبیعی هر فردی است. بیان اعتقاداتش هم مشکلی ندارد. کسی ممنوع نکرده است. اسمال سال انتخابات است بداندیه همه گروه ها از این چهره های هنرمند ما می شنوند. این هنرمندان هستند که نباید اجازه دهند که از او سوء استفاده کنند. مطمئنا در چنین اتفاق هایی هنرمند نقش خودش را از دست می دهد و اگر در هن بعضی محبوب می شود به اقتضای فضای سیاسی است. ساحت هنرمند از این محبویت و معضوبیت میراست.

آقای شاه آبادی من جواب خودم را درباره سوالی که درباره وضعیت مجوز آلوم استاد شجریان بود و سیاست هایی که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در قبال ایشان گرفته بود را نگرفتم. به هر حال هیچ کس نمی تواند به استاد بودن ایشان در موسیقی ایران شک کند. ایشان یک سال منتظر مجوز آلوم شان شدند.

در هر صورت ما ادعای مان در این حوزه ها این است که اگر یک ساحتی با سیاست آلوده شد، ابتدا باید گام نخست برای پاک شدن این آلودگی از سوی کسانی برداشته شود که این آلودگی را انجام دادند. دور شدن از این فضا و دوباره به آغوشی بازگشتن که تعلقی به آن ندارند، قطعاً به موضوع کمک نمی کند.

ما هم دستگاه سیاست گذار عرصه هنری هستیم و دل مان می خواهد در عرصه هنری فارغ از هر شبهه ای کار کنیم. هیچ گونه فضای ملتهبی را به عرصه هنر وارد نمی کنیم و نگاه ما به این عرصه کاملا باید عمومی باشد و با استاندارد پنجار های اجتماعی. بر صیانت پنجار های سیاست دیم و معتقدیم آنجایی که باید نام ایران و هویت ایرانی اسلامی می آید باید بر آن چیزهایی که اصول اصلی کار هست، ایستاد.

پرداخت شود، غلط است. بنیان آیین نامه شورای حمایت از همین جاشروع شد که آرام آرم به این سمت برویم. اما صفر و صدی دارد. از سویی معتقدیم که تئاتری ها کارکنان دولت هستند و از سویی دیگر به دنبال تئاتر خصوصی هستیم. یک حد میانه ای باید وجود داشته باشد. آیین نامه تهیه کنندگی اصلا عین حرف شما است. تهیه کننده می گوید این کار کار خانم الف است که چهره ملی است، این بازیگرش چهره است پس حمایتش می کند اما کار یک سبک جدید است و یک ژانری است که تماشاگر ایرانی هنوز نمی شناسد و مناسبتی است پس این هم باید حمایت شود. بنابراین تهیه کننده در هر مناسبتی رگ خواب تماشاچیان را پیدا کند. اگر من یک تئاتری با محوریت نماز درست می کنم، برای جوان مدرسه ای باید ستاد اقامه نماز هر نهانش را پرداخت کند. اگر تئاتر خیابانی درست می کنم، نمی توانم برای مردم رهگذر کلاه بگردانم. شهرداری یا دولت پولش را بدهد. اگر تئاتری می گزارم که مخاطب خاصی دارد، دولت باید پول بدهد. این طرف داستان است. در مقابل هم می توانم کار طنز را به گونه ای رای به دم که مالیات هم بگیرم. مردم پول می دهند چرا اندنند؟ ما تئاتر را در قالبی بسنیم و گفتیم یک حرکت فکری که مربوط به همه اقتدار نیست، انتقاد گر، اپوزیسیون است. درست هم هست. اما به قسم حضرت عباس این بچه هم فکر دارد، تئاتر هم می خواهد. برای این بچه کار کنید که به اندازه خودش باشد. قرار نیست متن شکسپیر را بیاورید اجرا کنید. ما این

• • • • •
ما تئاتر را در قالبی بستیم و گفتیم یک حرکت فکری که مربوط به همه اقشار نیست، انتقاد گر، اپوزیسیون است. درست هم هست. اما به قسم حضرت عباس این بچه هم فکر دارد، تئاتر هم می خواهد. برای این بچه کاری کنید که به اندازه خودش باشد. قرار نیست متن شکسپیر را بیاورید اجرا کنید. ما این را می گوئیم تئاتر

• • • • •
نمی دهند، تئاتر نیست. مردم برای روضه امام حسین (ع) هیچ وقت پول نمی دهند. اینها هر کدام جای خودشان را دارد. به نظر من صندلی های خالی تئاتر خیلی است و نمی دانم چرا شما هل تئاتر و موسیقی و رسانه همیشه با ما بحث سر صندلی های پر و چگونگی اش می کنید. اما منیم ساعتی است که در دوره در تئاتر صحبت می کنیم شما یک کلمه درباره ۵۳۰ گروه و طرح استقرار پرسیدید؟ نپرسیدید چون دغدغه تون نیست.

چرا آقای دکتر دغدغه مان هست. به اندازه کافی هم نوشتیم. اما به نظر مشکلات تئاتر ما در حال حاضر در مقابل این طرح جدی تر است. مانگاتی که از نظر شما مثبت است و توانایی روی صحنه می رود، مردم هم به وظیفه رسانه نقد عملکرد است.

اصلا شاید مثبت هم نباشد. ما عرض من این است که آن با همه ایرادهایی که دارد تئاتر است. آن کار من است و من پای آن ایستادم. این استقرار گروه ها یعنی اجرای عمومی. حالا اگر لازم باشد به خاطر آن کار جشنواره فجر را بر گزار نکنم انجام می دهم. سررم را هم بالا می گیرم. این به این معنی نیست که قصد داریم جشنواره را بر گزار نکنیم. اما این شهامت را دارم که اگر باییم طرح استقرار در کشور وابسته به تعطیلی جشنواره فجر است طرح استقرار را بر گزار می کنم و جشنواره را تعطیل می کنم.

در سالی که گذشت اتفاقات عجیب و غریب زیادی در حوزه موسیقی ایران رخ داد. این اتفاق ها هم به صورت خاص برای استادان موسیقی افتاد. کنسرت موسیقی شهرام نظری در شیراز لغو شد. همین طور مشکلاتی که سر مجوز آخرین

تهران بوده است اما اتفاقی که ۱۵ اسفند به ایرن طرف عید افتاد دست ما نبود. من خیلی خوشحال نیستم و فکر می کنم در حال پیگیری است و شاید تا زمانی که این مصاحبه چاپ شود همه گروه ها را و آرهوی دارا شان را گرفته باشند. اما غیر از این ۶۱ گروه اش، ما بدهی دیگری نداریم. این خودش خیلی حرف است. در همین زمان مالی بدی که ما اصلا از آن دفاع نمی کنیم، اشکال اداری هم وجود داشته است که در زمان خودش امضا نشده است، بدهی نداریم و اگر همین ۶۱ گروه هم تا آخر اسفند قرار دادنشان را می گرفتند من دارم فکر می کنم که دیگر چه چیزی می ماند که روزنامه شرق از ما بپرسد. این راه می گذاشتیم تا شما انتقادی از ما داشته باشید. ضمن اینکه هیچ دفاعی از عدم پرداخت نمی کنم. اما باید منطقی پذیرفت که زمانی یک آیین نامه قدیمی جاییش را به یک آیین نامه جدید آن هم در ماه آبان و آذر با حضور مدیر جدید می دهد، کمی اخلاف در پرداخت ها به وجود می آورد. بعد همه کارهایی که بدون قرار داد، با قرار داد، بی نوبت یا نوبت اجرا شده است باید در کمیته جدید که هنوز هم آیین نامه داخلی اش شکل نگرفته، بررسی شود. اینها عواملی است که پرداخت ها به تعویق بیفتد. اسمال آدمیم همه قدیمی ها را تصفیه کردیم. اگر یکی، دو تا کار از سال های قبل مانده، گیر اداری دارد یا پرودنه اش ناقص است یا هر چی دیگر، عین این داستان در تجسمی اتفاق افتاد که وضعیتش بحرانی تر بود. در موسیقی همانطور بود. تئاتر مشکل پولی دارد. همه پول تئاتر می می رود به همین

اجراها و گویی تئاتر است و این هشت تا سان و چند تا جشنواره.

حتی گروه هایی که از سوی مرکز دعوت به اجرا می شوند. می گویند اجرا کنید بعد قرار داد را امضا کنید؟

حتی اگر خود من دعوت کرده بودم، روزی که خواستند بروند اجرا کنند اگر قرار داد داشتند، بروند اجرا کنند. اگر قرار داد نداشتند به هر دلیلی در سال ۹۰ نمی توانمند اجرا داشته باشند. در سال ۹۰ این شوخی را نداریم که کسی به قول این و آن کاری را آماده کرده باشد. یا بگوید آقای شاه آبادی من این کار را برای حافظ آماده کردم و سالن فلان را سفارش کنید، ما برای دریافت پولش هیچ تضمینی نداریم. نقل کلام افراد مشکل جدی سال گذشته بود که ما با تسامح و تساهل بر خورد کردیم. الان هم نمی توانیم این فرهنگ را دارد که برای تئاتر هزینه بدهد؟

شما به بحث پیرانه تئاتر اشاره کردید. درست در زمانی که دولت بحث هدفمند کردن پیرانه ها را مطرح کرده است. با این بحث شما خیلی موافق نیستیم که در دوره ای که خودتان هم می گوید تئاتر پول ندارد، پیرانه بدهید. همین الان در تماشاخانه ایرانشهر تئاتر بدون پیرانه با بلیت ۲۰ هزار تومان می روی صحنه می رود، مردم هم به نتیجه می رسند. تماشاچی این فرهنگ را دارد که برای تئاتر هزینه بدهد؟

که همه ما هم از کمبودش می نایم؟ فرمودید با صحبت من درباره پیرانه ها موافق نیستید اما من با ایرادی که شما گفتید، موافقم.

من در میان تئاتر با شما موافق نیستم.

خب در همان پیرانه می گویم، من با شما موافقم. نمی دانم شما چرا موافق نیستید. واقعا این طور هست که در کشور در تئاتر ما ظرفیت به طور جدی وجود دارد که مردم بسیاری از هزینه های تئاتر شان را حاضر ند بپردازند. املاقی من آدم اینجا، نیامدم کار های قبلی را تکرار کنم. من آدم ت شاید کاری بکنم که تئاتر کشور را کاربردی کنم. معتقد بودم تئاتری که مردم بایشش پول ندهند و هزینه اش از سوی دولت

از نگاه هنرمند

در گیر مسایل رونمایی هستیم

سهراب سلیمی



■ بسیار برای من رنج آور است بعد از ۳۲ سال هنوز مسایلی را طرح می کنیم که سوال ها و دغدغه های اولیه تئاتر است. این موضوع برای من که بهترین سال های عمرم را بعد از انقلاب سپری کرده ام، بسیار تکان دهنده است. همیشه نحوه ارتباط و تعامل میان مسوولان، هنرمندان و دغدغه اهالی هنر به عنوان یک سوال در دولت های مختلف وجود داشته است.

در حالی که این مسایل باید در همان سال های اول مطرح می شد و هر سال که می گذشت ما می توانستیم آسیب شناسی گذشته را انجام دهیم و با تحلیل موقعیتی که داریم دورنمایی از آینده را به دست آوریم تا بتوانیم معضلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را مورد جست وجو قرار دهیم.

از سوی دیگر بخشی از این مسایل به قوانین و آزادی که در این زمینه است، بر می گردد. قانون باید با شرایط اجتماعی جامعه پیش برود. هنوز مسایل مربوط به حقوق صنفی و تخصصی به صورت سلیقه ای اعمال می شود و وضعیت آن در قانون اساسی مشخص نیست. من به این موضوع عقیده ای ندارم که متولی هنر و تئاتر دولت باشد و همه کار ها از سوی آنها صورت بگیرد بلکه هنرمندان باید خودشان فعالیت کنند و دولت به عنوان حامی عمل کند. دولت باید در زمینه فرهنگ از بخش خصوصی حمایت کند. یکی از مواردی که زمینه فعالیت بخش خصوصی را محدود می کند، این است که ابعاد مختلف فعالیت بخش خصوصی در قانون اساسی مشخص نشده است.

ما بعد از گذشت این همه سال شاهد هستیم بخش خصوصی در تئاتر شکل نگرفته و هنوز بحث بر سر گیشه و... است. تازه اینها مسائل رونمایی است و گر نه بحث های زیر بنایی مانند امنیت سرمایه گذاری و ابعاد حقوقی باید تعریف شود تا بتوانیم به موضوع گیشه و در صدها برسیم. درباره چنین مسایلی باید از سوی معاونت هنری، انجمن ها و هنرمندان بحث شود و آنها در تعامل با یکدیگر قرار بگیرند تا حل شود.

من هیچ وقت روحیه منفی ندارم و سعی کرده ام باید مثبت به مسایل و رویدادها نگاه کنم اما شواهد و مدارک نشان می دهد مسایل و مشکلاتی که در تئاتر ما وجود دارد، ریشه ای است و متاسفانه هنوز نمی دانیم تکلیف کار کجاست. مشکلاتی که در تئاتر ما مطرح است وقتی حل می شود که بتوانیم در مورد آزادی فردی و شهروندی صحبت کنیم.

من از نظر برنامه ریزی و حمایت حقوقی برای گروه های تئاتر و غیره در یک توهم هستم، چون نمی دانم تکلیف چیست. دورنمای برنامه ریزی های ما مشخص نیست. هر مدیری که آمده از تئاتر مذهبی حرف می زند که به نظر من یک توهین به اهالی تئاتر است چون مذهب در دل جریان های هنری همواره وجود داشته و توانی این با یک دیدگاه خاص به آن نگاه کرد. اسناد مدونی وجود دارد که مذهب از بدو پیدایش تئاتر با آن بوده و خواهد بود. باید ابتدا مسایل زیربنایی را حل تا بتوانیم مشکلات رونمایی را حل کنیم.

خبر

تئاتری ها گفتند

کسی پاسخگو نیست

■ یکشنبه هفته گذشته گروهی از هنرمندان تئاتر و اعضای خانه تئاتر ایران همزمان با هفته ای که قرار بود برگزار شد تئاتر باشد، در خانه هنرمندان گرد هم آمدند تا مطالبات خود را مطرح کنند. قرار بود حمید شاه آبادی، معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در این نشست حضور داشته باشد و به حرف های تئاتری ها گوش دهد اما این اتفاق نیفتاد و تئاتری ها در غیاب مسوولان دولتی در ددل های خوار مطرح کردند.

محمد یعقوبی، عضو هیات مدیره خانه تئاتر و عضو کمیته برگزاری این گردهمایی در بخشی از این نشست با بیان اینکه؛ بیش از یک سال است که از حضور معاون جدید امور هنری می گذرد اما در طول یک سال گذشته تنها اتفاق مثبتی که افتاد این بود که نمایش های جدید با قرار داد اجرا شده اند، گفت: «در حال حاضر اشخاص در کشور ما تعیین کننده حاضرت زیر اسیستمی وجود ندارد تا بر اساس آن عمل کنند بنابراین سلیقه ها جایگزین قانون می شوند.»

وی با اشاره به سخنان اخیر معاون هنری گفت: «بات تاسف است که ایشان گفته تئاتری ها از من راضی هستند. ایشان عنوان کرده نمایش ها با قرار داد اجرا شده اند و بعد هم برای هنرمندانی که خلاف این مطلب را گفته اند طلب استغفار کرده است!»